

زینب و کیلی زارچ با
 وجود متعارف نبودن
 رؤیایش از آن دست
 نکشید

تخته گاز

تا گرفتن پایه یک



کمیو ده‌ها را با اصلاح بودجه جبران می‌کنیم

درفرودگاه، مادر م‌من را به جای خودش فرستاد

حجت الاسلام و المسلمین سیدرضا علوی، سرداور مسابقات دفاع شخصی استان است

آیکیدو پس از منبر

۵۴



و عده اعضای شورای اسلامی شهر در نشست فصلی شورای اجتماعی محلات منطقه ۸

کمبودهای فرهنگی و ورزشی را با اصلاح بودجه جبران می کنیم

منطقه

۸



حمیده صفائی انشست فصلی شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۸ با حضور هفت نفر از اعضای شورای اسلامی شهر مشهد، شهردار منطقه و معاونانش هفته گذشته در فرهنگ سرای کودک و آینده بوستان کوهسنگی برگزار شد. در ابتدای جلسه، رؤسای شوراهای اجتماعی به نمایندگی از دیگر اعضا درباره مشکلات محلانشان صحبت کردند. در این نشست دوستانه، مشکلاتی از قبیل کمبود سرانه ورزشی، نبود فرهنگ سراد محلات منطقه، نامناسب بودن بسیاری از پیاده روها، مشکلات کف سازی بازار سرشور و ترافیک این محله مطرح شد. همچنین نمایندگان درباره مرمت جداره های تاریخی منطقه، نبود پارکینگ در بعضی محلات و تعدد مجتمع های پزشکان در خیابان چمران صحبت کردند.

● قول ساخت مسجد در محله آبشار

رئیس کمیته نظارتی شهرداری منطقه ۸ با توجه به درخواست های مردمی گفت: امیدواریم بتوانیم در اصلاح بودجه سال جاری، هزینه ای برای حل مشکل کمبود فرهنگ سرا، سالن ورزشی و احداث سالن بحران در منطقه ۸ در نظر بگیریم. حجت الاسلام والمسلمین حسن منصوریان در پی درخواست نماینده محله آبشار، برای ساخت مسجد به اهالی قول همکاری داد.



● پیگیری برای قانونمندی شوراهای اجتماعی محلات

سخنگوی شورای اسلامی شهر مشهد در شورای عالی استان ها با اشاره به اینکه مشهد، تنها شهری است که شورای اجتماعی محلاتش پای کار است، گفت: شوراهای اجتماعی محلات برای رفع مشکلات محل سکونتشان فعالیت می کنند و تاکنون توانسته اند خدمات بسیاری برای اهالی انجام دهند. موسی الرضاحاجی بگلو ادامه داد: برای اینکه مصوبات شوراهای اجتماعی محلات و جاهت قانونی داشته باشد و اعضا بیشتر از قبل فعالیت کنند، پیگیر بودیم تا شورای اجتماعی محلات در برنامه هفتم قانونمند شوند. اگر این تصمیم نهایی بشود، اتفاق جدیدی در محلات رقم خواهد خورد.



● مشکلات باید اولویت بندی شوند

نایب رئیس شورای اسلامی شهر مشهد با اشاره به اینکه در حوزه منابع محدودیت هایی داریم، توضیح داد: هزینه رفع نیازها و مشکلات در مناطق بیشتر از منابع و اعتبارات است؛ برای رفع آن ها باید در تخصیص بودجه اولویت بندی کنیم. ایمان فرهنگمندی افزود: تلاش می کنیم در هر منطقه منابع اختصاص یافته، به پروژه و خدمت تبدیل شود. در اصلاح بودجه ۱۴۰۲، هر منطقه ای که منابع آن تبدیل به پروژه شده باشد، سهم بیشتری در اختیارش قرار خواهد گرفت.



● نگاه شورای شهر فقط به حاشیه شهر نیست

عضو کمیته نظارتی شهرداری منطقه ۸ نیز با اشاره به افزایش بودجه منطقه طی سه سال اخیر از ۱۱۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به حدود ۳۰۰ میلیارد تومان در سال جاری، گفت: در شورای ششم، نگاه و رویکرد ما حاشیه شهر است، اما به این معنا نیست که به دیگر مناطق توجه نمی کنیم. ما با توجه به نیاز هر منطقه، بودجه آنجا را در نظر می گیریم. سید ابراهیم علیزاده ادامه داد: منطقه ۸ با توجه به وجود بارگاه مطهر رضوی، یکی از مناطق استراتژیک شهری است که باید به آن توجه کنیم. افزایش بودجه در این سال ها حاکی از همین موضوع است که مدیریت شهری برای رفاه حال ساکنان در تلاش است تا شرایط بهتری برای مردم فراهم کند.



● منطقه ۸ در امکانات ورزشی مغفول مانده است

رئیس کمیسیون ویژه ورزش و جوانان گفت: متأسفانه به ورزش به عنوان ظرفیت اجتماعی نگاه نکرده ایم. گاهی مناطق برخوردار نیز از نظر امکانات ورزشی کمبود دارند. سید حسین علوی مقدم ادامه داد: مسئولان این منطقه ظرفیت ها را احصا کرده و کمبودها را از ما مطالبه کنند، در اصلاح بودجه می توانیم به منطقه کمک کنیم و برای احداث سالن بانوان پای کار هستیم.

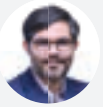


پروژه هایی با نام بازآفرینی تعریف شد. مجید طهوریان عسکری ادامه داد: محلات برخوردار، جامعه نخبگان فعالی دارند که می توانیم از نظر آن ها استفاده کنیم. شوراهای اجتماعی محلات نباید کارکردشان صرفاً برگزاری جلسات باشد، بلکه آن ها می توانند پنج درصد بودجه عمرانی را پیشنهاد بدهند.

مهدی ناصحی با اشاره به پروژه های زودبازده در مناطق حاشیه شهر مشهد ادامه داد: مشارکت شوراهای اجتماعی محلات برای اولویت بندی پروژه ها اهمیت بسیار دارد. وی افزود: تلاش می کنیم طرح «محله ما» این بار در محلات برخوردار فعال شود تا نظرات مردم در اجرای پروژه ها پرسیده و در نظر گرفته شود.

● استفاده از نظرات نخبگان محلی

رئیس کمیسیون ویژه سامان دهی حاشیه شهر مشهد در این نشست گفت: در دوره ششم پروژه های زودبازده را برای محلات تعریف کردیم. در منطقه ۸ هم در محلات سرشور و جنت،



● طرح «محله ما» در راه است

رئیس مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد گفت: شورای اجتماعی محلات، حلقه اتصال مردم محله به کمیته نظارتی در منطقه است تا صدای مردم را به گوش اعضای شورای اسلامی شهر برسانند.



● آغاز اجرای پروژه پل انقلاب

شهردار منطقه ضمن پاسخ گویی به موارد ذکر شده از سوی شهروندان درباره مسائل ورزشی، احداث سالن بحران و فرهنگ سرا، روشنائی معابر، ساختمان های نیمه کاره توضیحاتی بیان کرد. کاظم یزدان مهر افزود: بهسازی پیاده رو و حدفاصل میدان ۱۵ خرداد تا پایانه مسافربری امام رضا^(ع) به زودی آغاز خواهد شد.



چهار راه تبدیل خواهد شد و ورودی و خروجی پایانه هم تغییر خواهد کرد. یزدان مهر یادآور شد: با آغاز فاز یک پروژه جهان شهر، مشکل امنیت این بوستان و روشنائی آن اصلاح خواهد شد. همچنین عقب نشینی سرشور که بر مبنای مصوبات طرح تفصیلی متوقف شده است، بنابه خواسته مردم در استانداری پیگیری شد و قرار است این موضوع بررسی شود.

وی با تأکید بر اینکه در تنظیم بودجه عمرانی سال آینده از اعضای شورای اجتماعی محلات کمک خواهیم گرفت تا بتوانیم پروژه ها را تعریف کنیم، ادامه داد: تعریض خیابان ثامن الائمه^(ع) در دستور کار قرار گرفته و کارهای مقدماتی آن فاز به فاز در حال اجراست. پروژه پل انقلاب هم آغاز شده است و در حال حاضر در قسمتی از پایانه امام رضا^(ع) و کال اقبال کار انجام می شود. با اجرای این پروژه، میدان انقلاب به

منطقه

شهردار منطقه افزود: این پروژه با اعتبار ۳ میلیارد و ۵۷۵ میلیون ریال از ابتدای شهریور سال جاری آغاز شد و در مدت پیش بینی شده به پایان رسید.

یزدان مهر گفت: این پروژه با بررسی نقاط آگیر منطقه اجرا شده است. پس از اجرای این پروژه، روان آب های حاصل از بارش نزولات آسمانی وارد چاه های جذبی شده و علاوه بر رفع آب گرفتگی خیابان ها و آب ماندگی در معابر، سفره های زیرزمینی نیز تقویت می شود. /

راه اندازی ایستگاه پسماند خشک

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۸ از راه اندازی ایستگاه پسماند خشک در محله آبشار خبر داد. مهدی حامدی با اعلام این خبر گفت: این طرح پیر و مصوبات شورای اجتماعی محله آبشار و درخواست شهروندان مبنی بر جمع آوری پسماند خشک در محله اجرا شده است. این ایستگاه در ابتدای خیابان نماز ۲۷ راه اندازی شد. /

حفر ۲۵ چاه جذبی

شهردار منطقه ۸ از پایان پروژه حفر ۲۵ چاه جذبی برای جمع آوری و کنترل آب های سطحی در این منطقه خبر داد و گفت: با وجود خشک سالی های پی در پی و بحران کم آبی، برای جلوگیری از هدر رفت آب در هنگام بارش، باید حداکثر تلاش را به کار ببندیم. کاظم یزدان مهر ادامه داد: با همین هدف، شهرداری منطقه ۸، اقدام به حفر ۲۵ چاه جذبی با عمق ۱۰ متر کرده است.

لایروبی کانال آب های سطحی

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۸ گفت: لایروبی مکانیزه روزانه سیصد متر از کانال آب های سطحی در حال اجراست و لایروبی سنتی نیز روزانه به طول صد متر اجماعی شود. مهدی حسین زاده افزود: باز کردن مجاری انتقال آب های سطحی ناشی از بارش باران به منظور جلوگیری از آب گرفتگی های احتمالی معابر، امری ضروری است. /

منطقه

۵۹۰۰ مورد رفع سد معبر

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۷ گفت: طی شش ماهه نخست امسال، حدود ۵ هزار و ۹۰۰ مورد رفع سد معبر اجرا شده است. مجتبی زمانی ادامه داد: بیشترین آمار رفع سد معبر شامل جمع آوری دست فروشان و تخلفات مربوط به واحدهای صنفی بوده است. جمع آوری متکدیان در معابر منطقه و برخورد با واحدهای صنفی، از موارد رفع سد معبر بوده است. /

ساخت سالن چند منظوره در پارک «ریحانه»

یکی از پارک های شاخص ویژه بانوان، بوستان ریحانه است. به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی این بوستان برای خدمت رسانی به بانوان، ساخت سالن چند منظوره پارک بانوان ریحانه در دستور کار شهرداری منطقه قرار گرفت. برای این منظور ۱۵۲ میلیارد ریال اعتبار در نظر گرفته شده است و از ابتدای آذر، عملیات اجرایی آن آغاز می شود. /

پیاده روستی بولوار شهید ساعی

از آنجا که یکی از درخواست های همیشگی شهروندان تعمیر و تجهیز پیاده روستای بولوار شهید ساعی است، این پروژه در دستور کار منطقه قرار گرفت. برای این پروژه ۲۱ میلیارد ریال اعتبار تخصیص داده شد و عملیات اجرایی آن از ابتدای آذر شروع می شود. طبق برنامه ریزی صورت گرفته، تعمیر و تجهیز پیاده روستای بولوار شهید ساعی تا پایان سال به پایان خواهد رسید. /

تجمع در حمایت از فلسطین

شهروندان منطقه ۷ در حمایت از مردم مظلوم فلسطین، تجمع بزرگی در میدان شهید اصلانی برپا کردند. اجتماع باشکوه، طوفان الاقصی، با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین ماندگاری و مداحی ابوذر روحی در حمایت از مردم مظلوم فلسطین برگزار شد. این برنامه به همت مسجد صاحب الزمان (عج) شورای اجتماعی محله انقلاب و خلع، تشکل های فرهنگی منطقه و شهرداری منطقه ۷ برپا شد. /

منطقه

۷

گفت: هفت معبر اصلی آرامستان نام های مطهر، فردوس، جنات، طوبی، نعیم، ملکوت و مؤمنین را به خود گرفته اند.

باغ گلی افزود: معابر کنار قطعات مزار شهدا به نام عملیات های دفاع مقدس همانند مرصاد، والفجر، طریق القدس و... و معبر کنار قطعه شهدای مدافع حرم به همین اسم نام گذاری شده است.

وی از نصب ۱۵۰ تابلو در آرامستان بهشت رضا (ع) خبر داد و افزود: حسینه داخل آرامستان نیز به نام شهید سردار حاج قاسم سلیمانی و مسجد نیز به نام مالک اشتر نام گذاری شد. /

سازمان فردوس ها و مسئولان آرامستان بهشت رضا (ع) با هدف بررسی چگونگی نام گذاری و نشانی دهی برگزار شد. وی با اشاره به اینکه نام گذاری معابر اصلی و فرعی آرامستان به سبک معابر شهری است، توضیح داد: معبر اصلی به نام شمس الشموس که یکی از القاب امام رضا (ع) است و میدان ورودی به نام میدان لاله نام گذاری شده است.

رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد با بیان اینکه میدان دیگری به نام شهدای انقلاب اسلامی و میدانی که نزدیک مقبره میرزا جواد آقا تهرانی است به نام ایشان نام گذاری شده است،

شهرداری مشهد با بیان اینکه نام گذاری معابر، میادین و اماکن آرامستان بهشت رضا (ع) یکی از درخواست های مردمی بود، افزود: سردرگمی و دسترسی نداشتن به بلوک های مدنظر، یکی از علل ترافیک سنگین در آرامستان بهشت رضا (ع) به ویژه در ایام خاص بود.

حسین باغ گلی افزود: به منظور فراهم کردن دسترسی راحت به بلوک های مدنظر، شورای ششم تصمیم گرفت معابر اصلی و فرعی آرامستان را نام گذاری کند. در همین راستا جلسات مطالعاتی متعددی بین ادارات نام گذاری معابر شهرداری مشهد و

نجمه موسوی زاده | آرامستان

بهشت رضا (ع) از مهم ترین آرامستان های مشهد است که در مسیر مشهد فریمان قرار دارد. در روزهای آخر هفته، اعیاد و مناسبت ها تعداد زیادی از شهروندان برای زیارت اهل قبور راهی این مکان می شوند، اما به دلیل بی نام و نشان بودن معابر آن، پیدا کردن مزار مورد نظر برای بسیاری از بازماندگان سخت و دشوار است. به همین منظور شورای اسلامی شهر مشهد، نام گذاری معابر و میادین آرامستان بهشت رضا (ع) را با هدف سهولت دسترسی شهروندان تصویب کرد. رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی

معابر اصلی و فرعی آرامستان بزرگ مشهد نام گذاری شد

پایان سردرگمی شهروندان در بهشت رضا (ع)



شهردار منطقه ۷ در بازدید از محله عسکریه بیان کرد

پیگیر رفع مشکل پمپ بنزین هستیم



منطقه

۷

از آن متصاعد می شود. او افزود: در برخی خیابان ها و کوچه ها نیاز به هرس درختان است؛ زیرا شاخه ها مانع از روشنایی نور لامپ های می شود. علاوه بر آن برخی معابر هم روشنایی کمی دارند. سرحدی درباره مشکل زمین چمن بیان کرد: تنها زمین ورزشی مان در انتهای شهرک قرار دارد که بخشی از آن تجهیز شده است. اما هنوز نور کافی ندارد.

در پایان این بازدید، شهردار منطقه ۷ در جمع اهالی محله عسکریه گفت: درباره مشکل پمپ بنزین، طرح های سازمان ترافیک را بررسی می کنیم و رانندگی های لازم را با صاحب پمپ بنزین انجام می دهیم. مجید وحدتی پور ادامه داد: برای اصلاح رمپ ها، پیمانکاری می خواهیم اقدامات لازم را انجام دهد.

او درباره تأمین روشنایی معابر گفت: انجام این کار با اداره برق است. اما هرس درختان در دستور کار اداره فضای سبز قرار دارد و به زودی اصلاحات انجام خواهد شد. وحدتی پور درباره تجهیز زمین ورزشی و نبود مرکز فرهنگی گفت: با اجرای شدن طرح های زودبازده، مشکل زمین ورزشی انتهای شهرک برطرف خواهد شد. همچنین از اهالی محله می خواهم زمین های پیشنهادی را به منظور تملک و ساخت مرکز فرهنگی به شهرداری معرفی کنند.

سمیرا منشادی | شهردار منطقه ۷ به همراه معاونانش و رؤسای ادارات مختلف منطقه از محله عسکریه بازدید کرد. در این بازدید اعضای شورای اجتماعی محله و اهالی، مدیران شهری منطقه را همراهی کردند و مشکلاتشان را با شهردار در میان گذاشتند.

● یک مشکل قدیمی

به عنوان اولین درخواست، اهالی محله، خواهان بسته شدن کوچه های منتهی به پمپ بنزین شدند. رئیس شورای اجتماعی محله عسکریه با اشاره به اینکه عبور زیاد خودروها از کوچه ها، آسایش و امنیت را از اهالی گرفته است، گفت: در این زمینه چندین بار جلسه هایی با سازمان حمل و نقل ترافیک شهرداری مشهد، شهرداری منطقه و مالک جایگاه سوخت برگزار کرده ایم اما هنوز به نتیجه نرسیده است.

محمدعلی سرحدی درباره وضعیت پروژه های اجرا شده بیان کرد: پروژه زودبازده در محله ما شامل پیاده روستای خیابان احسان بود. اما متأسفانه رمپ هایی که سر هر کوچه ساخته شده است، ارتفاع بلندی دارد و کف خودروها هنگام عبور و مرور به این رمپ ها گیر می کند. همچنین شیب داخل جوی های آب به شکلی است که آب در آن را کد باقی می ماند و بوی نامطبوعی

حجت الاسلام و المسلمین سیدرضا علوی، سرداور مسابقات دفاع شخصی استان است

آیکیدو پس از منبر



نجمه موسوی زاده | منبرش که تمام می شود، کیف ورزشی اش را برمی دارد و به سمت باشگاه می رود؛ جایی که شاگردانش منتظرند تا فوت و فن هنرهای رزمی را از او یاد بگیرند. با یک دستش، کیف ورزشی اش و با دست دیگر گوشه عیایش را می گیرد. نگاه های متعجب مردم برایش غریبه نیست. چند سالی است که عادت کرده است هنگامی که با لباس روحانیت وارد باشگاه می شود، با تعجب او را بنگرند. حجت الاسلام سیدرضا علوی چهل و یک سالگی را پشت سر گذاشته است. او دانش آموخته رشته ریاضی کار بردی است، اما در دهه سی زندگی اش دنبال علاقه نوجوانی اش رفت و برای کسب تحصیلات حوزوی راهی حوزه علمیه شد. از طرفی ۲۷ سالی می شود که زندگی اش با ورزش های رزمی عجین شده است. سیدرضا یکی از مربیان رشته رزمی آیکیدو، سرداور مسابقات دفاع شخصی خراسان رضوی و مسئول کمیته دفاع شخصی هیئت های رزمی استان است. او در سال های اخیر توانسته است طلبه ها را به ورزش های رزمی کاران را به تحصیلات حوزوی دعوت کند.

● بازگشت به علاقه نوجوانی

او در دهه دوازده سال فعالیتش، نوسانات بازار، فصل ساخت و ساز، زمان خرید و فروش و همه آنچه را باید در بازار کار دانست، به خوبی یاد گرفته بود. اما سیدرضا رضای نبود و فکر و ذهنش در جای دیگری می گذشت. او توانسته بود مربی بسیار خوبی در آیکیدو باشد و شاگردان قدری تربیت کند و به یکی از علاقه های مهم زندگی اش در بهترین جایگاه برسد، ولی باز هم دلش جای دیگری بود.

نمی توانست به خودش دروغ بگوید. یک روز نشست و دو تا چهار تا کرد و بالاخره به این نتیجه رسید حالا که سقفی بالای سرش برای زندگی دارد و ماشینی برای رفت و آمد، از بازار کار بیرون بیاید و هدف و علاقه ای را که در هجده سالگی داشت، دنبال کند. «در اعلامیه حوزه علمیه خراسان دیده بودم که با خود خوانی دروس سطح یک و شرکت در آزمون می توانم برای تحصیلات حوزوی اقدام کنم. با صاحب کارم تسویه کردم، چند ماهی دروس را خواندم و دروسی و چهار سالگی پس از قبولی در آزمون برای تحصیل در سطح دو وارد حوزه علمیه شدم.»

رفت و آمد به حوزه و حضور در کلاس ها سبب آشنایی و دوستی او با طلاب شد. با ادامه دار شدن این دوستی ها برخی از طلاب با شنیدن اینکه سیدرضا مربی آیکیدو است و شاگردان بسیاری دارد، با شور و علاقه زیاد از او درباره این رشته ورزشی سؤال می کردند، مدت زیادی طول نکشید که چند طلبه به کلاس های رزمی آمدند و شاگردم شدند. الان بعد از گذشت چند سال تعدادی از آن ها توانسته اند مدرک مربیگری بگیرند و خودشان استاد آیکیدو شوند.

● گرفتن مدرک مربیگری در جوانی

او حتی شش ماه، پرورش اندام کار کرده بود در یافت کمر بند مشکی کاراته هم نزدیک شد اما دست آخر فهمید که آیکیدو برایش از هر رشته ورزشی دیگری شیرین تر است. «جوان بودم و پرانرژی خستگی برایم معنایی نداشت، از ساعت ۷ تا ۱۱ شب در باشگاه تمرین می کردم و باز هم سر حال بودم، تا اینکه سال ۷۸ در مسابقات استانی آیکیدو مقام اول را کسب کردم.»

ایستادن بر سکوی قهرمانی شیرین بود، ولی برای سیدرضا مفهوم دیگری از برد داشت. او تصمیم گرفت مهارت خود را به شکل دیگری نشان دهد. «آیکیدو جزو رشته های رزمی دفاع شخصی است و به دلیل سنگین بودن حرکات این رشته، احتمال آسیب دیدن افراد بیشتر از سایر رشته های رزمی است؛ بنابراین مسابقات آن زیاد نیست. تصمیم گرفتم با گرفتن مدرک مربیگری، افرادی را با این رشته آشنا کنم که ورزش را با هدف سلامتی دنبال می کنند.»

سیدرضا همان طور که مدرک مربیگری را تا سطح یک گرفت، موفق به اخذ دان پنجم آیکیدو نیز شد. او در همین سال ها تحصیلاتش را در مقطع کارشناسی ریاضی کار بردی ادامه داد و با فوت پدرش وارد بازار کار شد. «به عنوان مدیر فروش و سپس حسابدار در بازار آهن کار پیدا کردم و توانستم خودی نشان دهم.»

● آشنایی با فنون رزمی در جلسات مکتب المهدی (عج)

سیدرضا در یکی از کوچه های خیابان صدر در محله کوی کارگران متولد و بزرگ شده است؛ کودکی اش مانند بسیاری از پسر بچه های دهه شصتی به بازی فوتبال در کوچه گذشت. نوجوانی کم سن و سال بود که همراه برادر بزرگ ترش پایش به جلسات مکتب المهدی (عج) در محله باز شد. حضور در جلسه های دعای توسل و آشنایی با استاد هادی تقوی، مداح اهل بیت (ع)، مسیر زندگی او را تغییر داد.

شاید روزی که برای اولین بار قدم در جلسات مکتب المهدی (عج) گذاشت، تصور نمی کرد با مربی رزمی کاری آشنا شود که او را وارد دنیای ورزش کند. خودش می گوید: استاد تقوی اکنون یکی از پیشکسوتان رشته آیکیدو است. آن زمان ارتباط خوبی با نوجوانانی که به جلسات مذهبی می آمدند، داشت و سبب شد علاوه بر من و برادرم چند نفر دیگر هم برای یادگیری فنون رزمی به باشگاه بروند.

سیدرضا رشته ریاضی فیزیک را در دبیرستان انتخاب کرد و سه روز در هفته مبارزه دفاع شخصی را زیر نظر استاد تقوی در باشگاه آموزش دید؛ با وجود این احساس کرده هنوز انرژی زیادی دارد که تخلیه نمی شود. با خوانده توضیح می دهد: علاقه ام به ورزش رزمی آن قدر زیاد شده بود که تصمیم گرفتم کاراته و تکواندو را هم در سه روز دیگر هفته دنبال کنم.





➤ هنگامی که مردم شمارا بالباس روحانیت می بینند که وارد باشگاه ورزشی می شوید، چه واکنشی نشان می دهند؟

با اینکه در سال های اخیر، ورزش بین مردم جا افتاده است، هنوز هم بسیاری از آن ها با تعجب نگاه می کنند. وقتی هم می فهمند مربی هستم، تعجب می کنند.

➤ روحانیون بالباس روحانیت شناخته می شوند. آیا پوشیدن لباس رزمی یا داور در مسابقات توسط یک روحانی به این ذهنیت آسیب نمی رساند؟

لباس روحانیت هم مثل تمام لباس هاست. پزشکان، آتش نشانان، کارگران و... لباس مخصوص خود را دارند؛ این هم لباس مبلغ دین است و مانعی برای ورود به عرصه های ورزشی نیست. به نظرم ورود روحانیون به فعالیت های ورزشی حتی علاقه بیشتری نسبت به دین ایجاد می کند.

➤ روحانیت و ورزش؛ به نظر شما این دو می تواند مکمل خوبی برای نشر ارزش های دینی باشد؟

یک مبلغ دین می تواند در همه جا آموزه های دینی را منتقل کند. شاید بهترین مکان برای آشتی نوجوانان و جوانان با این آموزه ها باشگاه های ورزشی باشد. باید توجه کرد همان طور که جوانان را به ارزش های دینی دعوت می کنیم، مؤمن و نمازخوان را هم به سمت فعالیت های ورزشی سوق دهیم.

➤ شما استاد رزمی کار بودید و وارد حوزه علمیه شدید. برخورد مسئولان حوزه قطور بوده است؟

ورزش در حوزه علمیه، جایگاه خود را دارد و دور از ذهن نیست. مراجع تقلید با ورزش مشکلی ندارند اما درباره رشته های مختلف ورزشی و درباره شکل تمرینات نظراتی دارند. به عقیده آن ها شأن طلبگی در هر زمان و مکانی باید حفظ شود. در حال حاضر عضو کارگروه فکری ورزش حوزه علمیه خراسان هستم و تلاش می کنیم ورزش را از قبل پررنگ تر کنیم.

➤ شما سر داور مسابقات دفاع شخصی استان هستید. با توجه به اینکه اشتباه در داور ناگزیر است، نگران نیستید که قضاوت نادرستی انجام دهید؟

داوری بر اساس همه اطلاعات و قوانین انجام می شود. من تلاش می کنم قضاوت عادلانه ای داشته باشم و اخلاق را رعایت کنم. البته سه داور برای یک بازی قضاوت می کنند تا در حق بازیکن اجحاف نشود.

➤ با توجه به تجربه شما در زمینه تئاتر در دوران دانشجویی و همچنین همکاری با تئاتری که سال گذشته از سوی شهرداری در بوستان کوهسنگی برگزار شد چقدر به فعالیت های هنری علاقه مند هستید؟

تئاترهای مذهبی را دوست دارم. به ویژه اگر بتوان در آن ها هنرهای رزمی را به نمایش گذاشت، اما فرصت چندانی برای این فعالیت ندارم. به تازگی هدایت کننده تئاتری بودم که با محوریت غزه در مراسم افتتاحیه مسابقات ورزشی حوزه علمیه برگزار شد.

تربیت فرزند و... را در مسجد برگزار می کند و بعد از اقامه نماز اگر یکی از اهالی سؤالی داشته باشد، با روی گشاده او را راهنمایی می کند.

یکی از علاقه های جالب سید رضا مربوط به فعالیت های هنری است. او زمانی که در دوره کارشناسی ریاضی کار بردی تحصیل می کرد، همراه چند نفر از دوستانش، نمایشی را روی صحنه برد که حرکات رزمی آیکیدو در آن نشان داده می شد. او امسال بعد از گذشت سال ها دوباره روی صحنه تئاتر رفته است؛ «این تئاتر جذاب با عنوان دیار دلیران خرداد امسال با همکاری شهرداری در بوستان کوهسنگی اجرا شد. مضمون تئاتر، نبرد بین ایران و توران بود و کارگردان، بازیگرانی می خواست که هنر رزمی با شمشیر را بلد باشند و من برای نقش رستم انتخاب شدم.»

سید رضا در حال حاضر در سطح چهارم حوزه تحصیل می کند و همچنان به عنوان مربی در باشگاه ورزشی حضور دارد. اوقات فراغت چندانی ندارد و بیشتر وقتش را برای فعالیت های اجتماعی می گذارد. با وجود این حرف هایی را که به زوجین می زند، فراموش نکرده و سرلوحه خود قرار داده است، «وقت کمی را که دارم، با خانواده ام می گذرانم؛ برای مثال اگر خریدی برای خانه داریم با هم سرم قدم زنان می رویم و در راه حرف می زنیم یا فرزندانم را به پارک می برم.»



● رسالت مبلغ دین و مربی حرفه ای

او قبل از آنکه بخواند ملبس شود و لباس روحانیت به تن کند، به خوبی می دانست تا چه اندازه این لباس حرمت دارد؛ «به دلیل علاقه ای که به آموزه های دینی داشتم، تحصیلات حوزوی را انتخاب کردم. می دانستم این لباس یک مبلغ دین است و نباید آن را جدای از کارم، علاقه ورزشی ام یا هر چیز دیگری بدانم.»

روز اولی که با لباس روحانیت به باشگاه رفت، برای خودش اتفاق عجیب و غریبی نبود؛ «بسیاری از دوستان و شاگردانم می دانستند که در حال تحصیل در حوزه علمیه هستم؛ به همین دلیل برخورد خاصی نداشتند و تبریک گفتند.»

حضورش در باشگاه به عنوان یک روحانی وظیفه دیگری روی دوشش گذاشت. حالا باید بیشتر از قبل در رفتار و کردارش مراقبت می کرد. سید رضا می گوید: کلاس های ورزشی بهترین مکان برای آشنایی نوجوانان و جوانان با قرآن و حدیث و احکام است. به شرطی که افراط و تفریط در آن نباشد. روزهایی که مناسبت معنوی است، مانند اعیاد، میلاد و ایام شهادت، روایتی کوتاه از ائمه اطهار^(ع) در شروع کلاس می گویم و تمام. او توانسته است به همین شکل و با ارتباط خوبی که با شاگردانش برقرار کرده است، تعدادی از آن ها را به ادامه تحصیل در حوزه علمیه تشویق کند؛ «تعداد شایان توجهی از شاگردانم در کلاس های ورزشی به طلبگی روی آورده اند که این موضوع برای من افتخار بزرگی است. امسال نیز تاکنون پنج نفر از شاگردانم در حوزه علمیه ثبت نام کرده اند.»

خاطره جالبی از روزهای مربیگری اش دارد؛ «روزی جوان کم سن و سالی به باشگاه آمد. از صحبت هایش فهمیدم می خواهد فنون رزمی را برای دعویاد بگیرد. او فقط دنبال این بود حرکت هایی را یاد بگیرد که بتواند طرف مقابلش را بزند. کم کم با او طرح دوستی ریختم و در کنار آموزش، اصول اخلاقی یک ورزشکار را یادش دادم. به خوبی به خاطر دارم بعد از یک ماه دیگر دنبال دعوا نبود.»

● ارتقای ورزش محله

از زمانی که نوجوان بود، به مسجد ابوالفضل^(ع)





زینب و کیلی زارچ با وجود متعارف نبودن رؤیایش
از آن دست نکشید

تخته گاز تا گرفتن پایه یک

سمیرامنشادی اهر باری که زمین می خورد دوباره بلند می شد و با خودش زمزمه می کرد «این بار فهمیده ام که چکار باید انجام بدهم که موتور از دستم نیفتد». زینب و کیلی زارچ سر سخت تر از آن بوده است که علاقه اش به یادگیری موتور سواری با ماشین راندن را به دلیل زمین خوردن کنار بگذارد. هر بار جادش لای سیم های موتور پاره می شد، برای دور شدن از نگاه خانواده، بهانه ای می آورد تا آن ها متوجه اتفاقی که افتاده است، نشوند. همین عشق و علاقه در سال های بعد، زمینه کاری اش را فراهم می کند تا جزو اولین مربی های تعلیم رانندگی بانوان در شهر ستان شان باشد. با آنکه کاردانی ارتباطات دارد، تعلیم رانندگی پایه یک را برای فعالیت در جامعه انتخاب کرد. او این روزها بیشتر تمرکزش را برای بانوانی گذاشته است که می خواهند گواهی نامه پایه یک بگیرند؛ چون معتقد است تصور جامعه از رانندگی خانم ها درست و واقعی نیست. او می خواهد با آموزش، این نگاه را در جامعه تغییر بدهد.



متوجه می شود مربی اش یک خانم است، تصور می کند که او بلد نیست درست آموزش بدهد. یکی از انگیزه هایی که او را به سمت آموزش کشانده، تغییر همین نگاه های نادرست بوده است. او می خواست ثابت کند بانوان هم در زمینه رانندگی حرفی برای گفتن دارند.

نگاه تبعیض آمیز را دوست ندارم

صحبت از سختی های کار که می شود، فقط نگاه تبعیض آمیز را سختی کارش می داند. او می گوید: خانم های مربی به طور معمول کمتر هنرجو دارند، زیرا مرد ها می توانند هم بانوان و هم آقایان را آموزش بدهند، اما خانم ها فقط به خانم ها می توانند رانندگی آموزش بدهند. او می گوید: یکی از دلایلی که رانندگی پایه یک را آموزش می دهم، همین است که آقایان بدانند بانوان هم در این زمینه توانایی دارند. هر خانمی می تواند راننده ای حرفه ای شود، فقط باید خودش و استعدادش را قبول داشته باشد. خیلی وقت ها که دختران جوان را آموزش می دهم، حرف های زیادی می شنوم، اما از این گوش می گیرم و از آن گوش فراموش می کنم. به هنرجو هم می گویم اگر می خواهد راننده بشود، نباید به این حرفا توجه کند.

نه خودم و نه اطرافیانم ماشین سنگین نداشتیم و همین موضوع، کار را برایش سخت می کرد.

تنها خانم آزمون پایه یک بودم

آزمون ماشین سنگین را چهار بار امتحان داد. این مربی می گوید: به طور متوسط برای هر دوره آزمون ماشین سنگین حدود شصت شرکت می کردند و فقط یک سومشان قبول می شدند. برخی از آقایان آن قدر برای امتحان آمده بودند که دو برگه کارتکس پر کرده بودند. من تنها خانم جمعشان بودم که برای امتحان شرکت می کردم، به همین دلیل استرس داشتم. اولین بار که شرکت کنندگان در آزمون او را دیدند، تصور کردند برای همراهی همسرش رفته است. تعجبشان زمانی زیاد شد که افسر اسمش را خواند تا برای آزمون برود.

او علت رد شدنش از آزمون اول را برایشان این طور توضیح می دهد: وقتی آموزش می دیدم، هر بار که پشت فرمان می نشستم، ماشین روشن بود، به همین دلیل نمی دانستم چطور ماشین روشن می شود. هنگامی که افسر گفت ماشین را روشن کن، بلند نبودم و به همین دلیل رد شدم. همسرش به او پیشنهاد کرده بود تا زمانی که اسمش را نخوانده اند، از ماشین پایین نروند تا چهار استرس نشود. همین راهکار مؤثر بود و او برای بار چهارم در آزمون قبول شد.

وکیلی از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۰ در شهرستان رانندگی آموزش می داده است؛ بعد از آن همراه خانواده به مشهد می آید. درس خواندن را شروع می کند و کاردانی اش را در رشته ارتباطات از جهاد دانشگاهی می گیرد. البته در کنارش کارش را نیز در آموزشگاه های مشهد دنبال کرده است.

انتقال مفاهیم در دست، مهم است

دلیل اینکه توانسته است کارش را بهتر از سایر رقبا پیش انجام بدهد، در نحوه انتقال مفاهیم می داند. وکیلی می گوید: گفتن کلیات سبب سردرگمی هنرجو می شود؛ جزئی و ریز گفتن مطالب کمک بیشتری به فرد می کند. بیان باید قابل فهم و در حد هنرجو باشد. معتقد است که جامعه، اعتماد به نفس رانندگی را از بانوان گرفته است. از سویی هنگامی که هنرجو

و در آخر به این نتیجه می رسد که رانندگی را دوست دارد. بالاخره دست روزگار او را به سمت آموزش رانندگی می کشاند. زینب می گوید: بدون اینکه دوره ای برای مربیگری گذرانده باشم، هفته اول، هنرجویی مهارتی را تمرین دادم. مدیر آموزشگاه اعتماد زیادی به کارم داشت و هفته دوم هنرجوی صفر را برای آموزش برایش در نظر گرفت. خاطرم هست جزو اولین زنان شهرستانمان بودم که به مربیگری در این حوزه پرداختم. اوایل به کارم چندان اعتمادی نداشتند، اما با افزایش قبولی هنرجو هایم آوازه تعلیمم در شهر پیچید.

پیش به سوی گرفتن پایه یک

کری خواندن ها برای رانندگی بانوان و اینکه آن ها نمی توانند پشت رل ماشین سنگین بنشینند، او را به سمت یادگیری پایه یک کشاند. عزمش را جزم کرد تا گواهی نامه پایه یک بگیرد. برای این کار سال ۸۹ اقدام کرد، اما گرفتن پایه یک چندان هم آسان نبوده است. یک سال طول کشید تا مدرک خود را بگیرد. آزمون آیین نامه را بدون اشتباه و اولین بار قبول شد. مرحله بعدی، آموزش فنی ماشین سنگین بوده است و او دوبار از این آزمون رد شد و برای بار سوم قبول شد.

خاطره ای از اولین باری که برای آزمون فنی رفته ته ذهنش خوش نشسته است. آن روز که وارد سالن امتحان شد، با میز بزرگی از قطعات کامیون که همگی باز شده بودند، روبه رو شد. کوچک ترین قطعات را دستش دادند، او توانست به درستی همه را بشناسد. آخرین قطعه ای که افسر به دستش داد، کاسه نمود ماشین بود. اما زینب نام این قطعه را فراموش کرده بود. با خودش تکرار کرد، کاسه، کاسه... افسر به او گفت «کاسه آبگوشت خوری یا خورش خوری؟! او هم با لحن پاسخ داد «مگر شما خورش را توی کاسه آبگوشت خوری میل می کنید؟» همین اشتباه کوچک سبب شد او آزمون را رد شود. مرحله بعدی امتحان عملی پایه یک اتوبوس بود که آن را اولین بار قبول شد. وکیلی می گوید: می دانستم که برای گرفتن پایه یک باید قوی و اطلاعاتم زیاد باشد. هنگامی که تعلیم می دیدم، خوب دقت می کردم. همه مردهایی که برای آموزش آمده بودند، خودشان ماشین سنگین داشتند، اما

بدون مربی رانندگی یاد گرفتم

زینب ساکن محله امام خمینی^(۹) است اما قرار ما با او مکانی است که برای تعلیم رانندگی پایه یک، با هنرجویش هماهنگ کرده است. بالا رفتن از کامیون سبزرنگ برایشان سخت است، اما او با چابکی بالایی رود و طریقه سوار شدن را یادمان می دهد. هنرجویش را راهنمایی می کند و کامیون باتکاتی از جایش حرکت می کند. وکیلی زمانی را به یاد می آورد که خودش برای آموختن رانندگی پایه یک، سختی های بسیاری را پشت سر گذاشت تا امروز به عنوان مربی پایه یک شناخته شود.

متولد سبزوار است و از دوران نوجوانی علاقه خاصی به رانندگی داشته است. در دهه ۶۰ که کمتر دختری پشت موتور می نشست، او موتور برادرش را پنهانی برمی داشته و می رانده است. زینب می گوید: با چادر پشت موتور می نشستم، ۹ تا از چادر هایم دور چرخ و زنجیر موتور پیچید و پاره شد؛ بماند که چقدر آسیب دیدم. جایی روی دست و پایم نبود که آثار کبودی و زخم نداشته باشد.

خاطره های زیادی از اینکه بدون اجازه پدرش ماشین را برداشته است، دارد. به گذشته اش نگاه می کند و فقط خودش را می بیند که توانسته با نگاه کردن و دقت به رانندگی مرد های اطرافش، موتور سواری و راندن ماشین را یاد بگیرد. زینب مدت ها بدون داشتن گواهی نامه رانندگی می رانده است که خودش حالا آن را کار اشتباهی می داند. تا اینکه در بیست سالگی گواهی نامه اش را گرفت.

شغلی که دوست داشتم

او بعد از ازدواج کار های مختلفی را امتحان می کند. روی کار هایی که علاقه داشته است، تمرکز می کند



خاطره عجیب زهرا احسن از توفیق اجباری سفر به حج

در فرودگاه، مادرم من را به جای خودش فرستاد



صندوق
خاطرات

صفائی | هر چند دقایقی پیشتر از ۶ صبح نگذشته، فرهنگ سرای کودک و آینده بسیار شلوغ است. هم زمان با هفته کتاب و کتاب خوانی، همایش کتاب خوانی ویژه ورزشکاران بوستان کوهسنگی با حضور شهردار منطقه ۸ و معاونانش، مدیر بوستان کوهسنگی و چهار گروه ورزشی فعال در این بوستان برگزار شد.

● فرهنگ سازی بین مردم برای مطالعه و ورزش

ورزشکاران شاد و پرانرژی وارد سالن همایش هادی شوند. این انرژی را مدیران ورزش صبحگاهی هستند.

شهردار منطقه ۸ مشهد در مراسم اهدای کتاب به ورزشکاران بوستان کوهسنگی می گوید: ورزش و مطالعه هر دو برای انسان مفید است و هیچ کس در سودمندی این دو تردید ندارد. اما متأسفانه هنوز هم بسیاری از مردم، نه زمانی را به ورزش اختصاص می دهند و نه فرصتی برای مطالعه دارند.

کازم یزدان مهر ادامه می دهد: همیشه برای ورزش نکردن و کتاب نخوندن بهانه وجود دارد، اما این بهانه های به ظاهر موجه، انسان را از سلامتی روح و روان محروم می کند. شروع ورزش و مطالعه برای افرادی که به آن عادت ندارند، سخت است، اما پس از مدتی لذت بخش می شود. این همایش ها بهانه ای است برای فرهنگ سازی بین مردم.

مدیر بوستان کوهسنگی نیز با اشاره به اینکه ورزش و مطالعه مهارت هایی اکتسابی است، می گوید: علاقه به این دو فعالیت را باید در افراد پرورش دهیم. حامد فخر ادامه می دهد: نگاه افراد اهل ورزش و مطالعه به زندگی مثبت است. در واقع جامعه ای که در آن ورزش و مطالعه گسترش یابد، پویاتر، شاداب تر و امن تر خواهد بود.

● مهیا شدن سلامت روح و روان

مدیر گروه ورزشی شاد در بوستان کوهسنگی نیز درباره این برنامه می گوید: ورزش و مطالعه شبیه هم هستند. ورزش زمینه ساز سلامت جسم و مطالعه زمینه ساز سلامت فکری است. علی حسین زاده شاد ادامه می دهد: هر زمان این دودر کنار یکدیگر قرار گیرند، شرایط لازم برای سلامت روح و روان مهیا می شود. جامعه ای که در آن ورزش و مطالعه فراگیر شده باشد، می تواند به سوی سلامت و سعادت گام بردارد.

زهرا شریعتی یکی دیگر از ورزشکاران حاضر در این جمع است. این فرهنگی بازنشسته که بیش از دو سال است در این گروه ورزشی حاضر شده است، می گوید: همیشه برایم سؤال بود که چطور عده ای از خواب صبحشان می زند و به ورزش صبحگاهی می پردازند، اما زمانی که خودم ورزش را شروع کردم، پس از گذشت یکی دو هفته دیگر نتوانستم برای نیامدن بهانه ای بتراشم.

شریعتی درباره برگزاری همایش کتاب خوانی برای ورزشکاران می افزاید: ورزش و مطالعه هر دو هدف تربیتی دارند. ورزش برای تربیت تن و مطالعه برای تربیت روان ضروری است. به نظر کار جالبی است که به ورزشکاران یادآوری کنند در کنار سلامت جسم به فکر سلامت روحشان هم باشند.

در این همایش ورزشکاران در حضور شهردار منطقه، به بیان برخی مشکلاتشان پرداختند. در پایان مراسم به هریک از ورزشکاران یک جلد کتاب اهدا شد.

سمیرا منشادی اولین و آخرین سفر حجی که زهرا احسن رفت، برایش خاطره انگیز شد، آن قدر که بعد از گذشت ۲۷ سال هنوز هم هنگامی که خاطره های آن حج را در ذهنش مرور می کند، لذت و نگرانی های این سفر برایش زنده می شود. هر چند به ظاهر بساط سفرش یک باره جور شد، به قول زهرا خانم به خاطر فدکاری مرحوم مادرش بود که توانست به این سفر معنوی برود.

● سفر از پیش تعیین شده

پای صحبت های زهرا خانم که می نشینیم، اواز لحظه های روحانی و نابیی می گوید که در این سفر تجربه کرده است: «سال ۷۵ بود. مادر شوهرم چند ماهی در بستری بیماری بود و از او مراقبت می کردم. همان روزها بود که اسم مادرم برای رفتن به حج واجب اعلام شد. مادر زهرا خانم اصرار می کند که او به جایش برای رفتن به سفر مکه اقدام کند، اما زهرا می گوید که نمی تواند مادر شوهرش را تنها بگذارد. درگیر و دار کارهای مادر برای زیارت، مادر شوهر زهرا خانم به رحمت خدا رفت. مادرش بار دیگر به دختر اصرار کرد که به سفر حج برود، اما او باز هم قبول نکرد. خودش برایمان تعریف می کند: قرار بود که مادرم به تهران برود و از آنجا عازم سرزمین وحی شود. برای بدرقه به ترمینال رفتیم. هنگامی که اتوبوس قرار بود حرکت کند، یکی از برادرانم مرا به داخل اتوبوس برد و گفت «همراه مادرمان تا تهران برو و بدرقه اش کن تا تنهانشان شود».

او که دختر دوساله اش نیز همراهش بود، باهمسرش صحبت کرد و بعد از گرفتن رضایت، راهی تهران شد. تا فرودگاه برای بدرقه رفت، اما هنگامی که مادرش می خواست از گیت رد شود، نوه اش را از بغل دخترش گرفت و زهرا را به سمت گیت هل داد. از اصرار برای نرفتن و از مادرش انکار که همراه کاروان راهی حج شود. مادر به زهرا گفته بود: «ما با رضایت همسرت این کار را انجام داده ایم و او در جریان است. نگران مراقبت از شوهر و فرزندان هم نباش، خودم از آن ها مراقبت می کنم، به این ترتیب قرار شد او به نیابت از مادرش زیارت کند».

● دلبرای که در سفر همراه بود

زهرا خانم درباره آن لحظه که به جای مادرش در صف قرار گرفته بود، می گوید: با خودم گفتم مسئولان گیت متوجه می شوند، اما شباهت چهره من و مادرم سبب شد مشکوک نشوند. هنگامی که به فرودگاه عربستان رسیدم، دل توی دلم نبود. آن زمان (سال ۷۵) در فرودگاه هفت رایانه داشتند که مسافران را از آن طریق چک می کردند. گریه می کردم و با خودم می گفتم هر لحظه امکان دارد سعودی ها متوجه شوند و مرا به زندان بفرستند. هر کدام از مأموران را که رد می کردم، منتظر بودم که صدایم کنند و بگویند برگردم. وقتی به نفر هفتم رسیدم، به زبان عربی گفت: صورتت را باز کن تا ببینمت. «اما او هم متوجه نشد. با آنکه از گیت بازرسی رد شده بودم، در طول سفر ترس و دلهره مدام همراهم بود».

زهرا خانم برای به جا آوردن مناسک حج از هم اتاقی هایش که آموزش دیده بودند، کمک گرفت، زیرا به کلاس های آموزشی نرفته بود. او می گوید: پولی که در سفر خرج کردم، وسایلی که استفاده می کردم، لباس احرام که می پوشیدم، متعلق به مرحوم مادرم بود. یک ماه و دو روز میهمان خانه خدا بودم که شیرین ترین دقایق عمرم بود.

عیدگاه

در همایش کتابخوانی، ورزشکاران بوستان کوهسنگی کتاب هدیه گرفتند

صبحگاه با کتاب



محلات منطقه ۸:

۱۷: عنصری، ۱۷ شهریور، کارگران، مقدم، کوشش، کوی پلیس، پروین اعتصامی، المهدی، سیدی، خلیج، عسکریه، انقلاب، بهارستان، ابوذر، قائم (عج)، زارعین، طرق

۱۸: سرشور، جنت، امام رضا (ع)، امام خمینی (ره) شهید بهشتی و آبشار

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر شهرآرامحله: فاطمه خلخالی استاد
دبیر شهرآرامحله منطقه ۷ و ۸: حمیده صفائی
تلفن شهرآرامحله منطقه ۷ و ۸: ۳۱۲۹۷۸۱
تلفن شهرآرامحله منطقه ۸: ۳۱۲۹۱۸۶۳-۴

شماره پیامک: ۷۲۸۹-۳۰۰۰

دفتر منطقه ۷:

خیابان پروین اعتصامی ۱۸- پشت ساختمان شهرداری منطقه ۷

دفتر منطقه ۸:

کوهسنگی ۳۱ پارکینگ بوستان کوهسنگی چهارسوق هنر (سوق چهارم)

پست الکترونیک:

mahalle7@shahrara.ir- mahalle8@shahrara.ir

کانال شهرآرامحله: @ShahraraMahaleh

دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir



خیابان خاطر هانگیز رو به «بهار»

کوشه‌ای (گذشته شد و در سال ۶۴ نیز امتداد این خیابان به سمت ملک الشعرا بهار به همین اسم، نام گذاری شد. ابتدای خیابان شهید بهشتی تا میدان شهید حیرانی که در این گزارش مدنظر است، جزو معابر قدیمی و پرخطر برای مشهدی‌هاست. این معبر، سال ۱۳۵۷ به خاطر نزدیک بودن به پادگان ارتش، استانداری خراسان و بیمارستان امام رضا (ع)، خطرات مردمی بسیاری را در خودش ثبت کرده است.

صفائی | نام خیابان شهید بهشتی فعلی، پیش از انقلاب اسلامی «محمدرضا شاه» بود. پس از واقعه انفجار در دفتر حزب جمهوری در سال ۶۰ که منجر به شهادت دکتر بهشتی شد، خود مردم به طور غیررسمی این خیابان را «شهید بهشتی» می‌نامیدند تا اینکه نام دکتر بهشتی، نخستین بار به صورت رسمی در سال ۶۲ فقط بر بخشی از این معبر طولانی (حدفاصل پارک کوهسنگی تا میدان

ابتدای خیابان بهشتی

منطقه ۸ - محله شهید بهشتی



بیمارستان شمس الشموس ارتش در ابتدای این معبر قرار دارد. تاریخ ساخت این بیمارستان به سال ۱۳۱۰ برمی گردد که می‌تواند سندی بر قدمت خیابان بهشتی باشد.



فروشگاه ارتش در ابتدای این خیابان که سال ۱۴۰۱ تخریب شده است، یکی از ساختمان‌های خاطره‌انگیز و هویتی در شهر مشهد به شمار می‌رفت. ۹ دی ۱۳۵۷ مردم معترض جلوی استانداری خراسان، به تلافی تیراندازی ارتشی‌ها، فروشگاه را آتش زدند.



میدان انتهای این معبر از سال ۱۳۹۰ به نام شهید امیر سرتیپ دوم پرویز حیرانی مزین شده است. مهر ۱۳۹۹ به مناسبت چهلمین سالگرد شهادت این شهید بزرگوار، سردیسش در میدان نصب شد.

حاج محمد مهدی کرباسی، اولین فروشنده صابون مراغه در مشهد است. او حدود شش دهه قبل، این صابون را برای فروش آورد و با استقبال خوب مشهدی‌ها کسب و کارش را ادامه داد.

